

برخورد امواج تاریخ یا رومیاروئی تمدن‌ها؟

■ نوشته: الوین تافلر

□□ ترجمه: مهدی بشارت

■ مردم دیر هنگام درک این نکته را آغاز کرده‌اند که تمدن صنعتی رو به پایان است. روشن شدن این مطلب، هراس جنگ‌های بیشتری را با خود می‌آورد، جنگ‌هایی از نوع جدید.

امروزه بسیاری کسان اصطلاح «فرانوی» را برای توصیف هر چه پس از مدرنیته می‌آید به کار می‌برند. از آنجا که دگرگونی‌های بزرگ در جامعه نمی‌تواند بدون برخورد رخ دهد، شاید تشبیه تاریخ به «موج‌های دگرگونی» بویاتر و گویاتر باشد تا سخن گفتن از گذار به «فرانوگرانی».

امواج، بویانی دارد. هنگامی که موج‌ها بر سر هم می‌غلند، جریان‌های مخالف آزاد می‌شود. زمانی که امواج تاریخ به هم می‌خورد، همه تمدن‌ها برخورد پیدا می‌کنند و این برخورد بر چیزهای زیادی پرتو می‌افکند که در غیر این صورت در جهان امروزی بی‌معنا یا تصادفی می‌نمودند.

در حقیقت، هنگامی که به نظریه موج برخورد جنگ می‌زنیم، روشن می‌شود که بزرگ‌ترین جابجایی قدرت که اکنون روی کره زمین آغاز شده، نه میان شرق و غرب یا شمال و جنوب است، نه میان گروه‌های مختلف مذهبی یا قومی. ژرف‌ترین دگرگونی اقتصادی و استراتژیکی، تقسیم شدن جهان در آینده نزدیک به سه تمدن مشخص، متفاوت، و بالقوه متضاد است.

تمدن موج نخست، ناگزیر با زمین پیوستگی داشت. این تمدن، صرف نظر از شکل محلی که ممکن است به خود گرفته باشد، زبانی که مردمش بدان سخن می‌گفته‌اند، مذهب یا نظام اعتقادی که داشته، فرآورده انقلاب کشاورزی بوده است. حتی امروز، بسیاری انسانها در جوامع کشاورزی پیشانین زندگی می‌کنند و می‌میرند، درحالی که همچون اسلاف خود در قرن‌های گذشته زمین سرسخت را شیار می‌زنند.

درباره ریشه‌های تمدن موج دوم اختلاف نظر وجود دارد. برخی مورخان ریشه‌های آنرا تا رنسانس، یا حتی بیشتر ردیابی می‌کنند. اما زندگی برای شمار زیادی از مردم، تقریباً تا سیزده سال پیش اساساً تغییری نکرده بود و آن در زمانی بود که علم نیوتونی برای نخستین بار سربرآورد، یعنی هنگامی که موتور بخار برای اولین مرتبه کاربرد اقتصادی یافت و نخستین کارخانه‌ها در انگلستان، فرانسه و ایتالیا رو به افزایش نهاد. روستائیان حرکت

پیش‌گفتار مترجم

□□ «ساموئل هانتینگتون» مدیر مؤسسه مطالعات استراتژیک در دانشگاه هاروارد با نوشتن مقاله‌ای بحث‌انگیز زیر عنوان «رویارویی تمدن‌ها» در فصلنامه «فارین افرز» (شماره تابستان ۱۹۹۳)، موضوع کاستی گرفتن برخوردهای اقتصادی و ایدئولوژیکی در جهان و آشکار شدن زمینه جنگی میان تمدن‌ها را مطرح کرد. او در مقاله خود هفت یا هشت تمدن اصلی (غربی، کنفوسیوسی، ژاپنی، اسلامی، هندو، اسلاو - ارتدکس، آمریکای لاتینی، و احتمالاً آفریقائی) را برشمرده و پیش‌بینی کرده است که جنگ‌های آینده در امتداد خطوط گسل میان این تمدن‌ها روی خواهد داد. هانتینگتون همچنین در شماره مورخ ششم ژوئن ۱۹۹۳ نیویورک تایمز به دفاع از فرضیه خود و پاسخگویی به منتقدانش پرداخت.

ترجمه مقاله اصلی «ساموئل هانتینگتون» و نیز نوشته‌های برخی از اندیشمندان و کارشناسان مسائل سیاسی درباره نظریه رویارویی تمدن‌ها به ترتیب در شماره‌های ۷۰-۶۹ و ۷۴-۷۳ ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی چاپ شد. در این شماره، دو مقاله دیگر در این زمینه به نظر خوانندگان ارجمند می‌رسد. مقاله نخست به قلم استاد دکتر محمد علی ندوشن است که ضمن رد فرضیه هانتینگتون، تحولات جهانی را از زاویه تازه‌ای نگرسته و انسان را، به عنوان سازنده تاریخ و تمدن، محور بحث خود قرار داده‌اند؛ مقاله دوم، در واقع بخشی از کتاب جنگ و پادجنگ آخرین اثر الوین تافلر است که به فارسی برگردانده شده و به زودی انتشار خواهد یافت. تافلر در کتاب خود، تمدن را به عنوان یک شیوه زندگی تعریف می‌کند که نظام ویژه‌ای را برای تولید ثروت در کنار دارد. به نظر تافلر، برخورد تمدن‌ها در آینده قطعی است اما نه انسان که هانتینگتون می‌گوید و نه در امتداد خطوطی که او ترسیم می‌کند. تافلر در بهنه تاریخ بر سه «آبر تمدن» فراگیر انگشت می‌گذارد:

آبر تمدن ده هزار ساله کشاورزی که نخستین موج تغییر را به راه انداخته؛ آبر تمدن صنعتی که دومین موج دگرگونی را در اروپای غربی و آمریکای شمالی برپا کرده و همچنان در دیگر نقاط جهان دامن می‌گستراند؛ و بالاخره آبر تمدن دانش - پایه که در شاخه‌های غربی، ژاپنی، و کنفوسیوسی در حال سر برآوردن است. به نظر او، ما در جهانی سه بخشی زندگی می‌کنیم که هر بخش آن در برگیرنده ملت‌ها و جوامعی است و نماینده تمدنی از تمدن‌های سه گانه فوق با فرهنگ‌ها، هنرها، باورهای مذهبی و سطوحی از دانش و علوم خاص خود. از دید تافلر، نبرد سترگ آینده از افت و خیز و هم‌چشمی و تک و پاتک این گروه‌های تمدنی بزرگ، یا به تعبیر او از برخورد امواج تاریخ پدید می‌آید.

جهانی تا داخلی. این کشمکش چارچوبی فراهم ساخت که در درون آن بیشترین جنگها رخ داد.

جنگهای قبیله‌ای و سرزمینی میان گروههای مختلف بدوی و کشاورزی، همانگونه که در سراسر هزاره پیش جریان یافته بود، ادامه پیدا کرد. اما این جنگها اهمیت چندانی نداشت، و غالباً فقط هر دو طرف را تضعیف می‌کرد و به صورت شکار آسانی برای نیروهای استعمارگر تمدن صنعتی درمی‌آورد. برای نمونه، این وضع در افریقای جنوبی پیش آمد، زمانی که سیل رودس و گماشتگان مسلح او

پدیدار گشت. این الگو تقریباً در همه کشورهای درحال صنعتی شدن تکرار شد. در ایالات متحده، برای گروههای ذینفوذ صنعتی - بازرگانی شمال، جنگ داخلی سهمگینی لازم بود تا بر نخبگان کشاورزی جنوب غلبه کنند. تنها چند سال پس از آن، انقلاب «می‌چی» در ژاپن روی داد، و یک بار دیگر نوسازان وابسته به موج دوم بر سنت گرایان موج اول پیروز شدند.

گسترش تمدن موج دوم، با راه تازه‌اش برای تولید ثروت، روابط میان کشورها را نیز دچار بی‌ثباتی کرد و مواردی از خلاء قدرت و جایجانی قدرت پدید آورد.

صنعتی شدن، به گسترش بازارهای ملی و ایدئولوژی همراه آن [یعنی] ملت‌گرایی انجامید. جنگهای وحدت، آلمان، ایتالیا، و دیگر کشورها را فرا گرفت. نرخ‌های ناهماهنگ توسعه، رقابت بر سر بازارها، کاربرد روش‌های فنی در تولید جنگ‌افزارها، همه، موازنه‌های پیشین قدرت را برهم زد و در جنگهایی که اروپا و همسایگانش را در میانه و اواخر سده نوزدهم از هم جدا ساخت، سهم یافت.

در حقیقت، حرکت مرکز ثقل نظام قدرت جهانی از امپراتوری عثمانی و روسیه تزاری فنودال به سوی اروپای درحال صنعتی شدن آغاز گردید. تمدن جدید، محصول دومین موج بزرگ دگرگونی، با سرعت تمام در سواحل شمالی حوزه بزرگ آتلانتیک ریشه دواند.

در همان حال که قدرت‌های حوزه اقیانوس اطلس صنعتی می‌شدند، به بازار و مواد خام ارزان از نقاط دوردست نیاز پیدا می‌کردند. از این رو قدرت‌های پیشرفته موج دوم جنگهایی با هدف بدست آوردن مستعمرات به راه انداختند و بر آن شدند که باقیمانده دولتهای موج اول و واحدهای قبیله‌ای در سراسر آسیا و افریقا را زیر سلطه خود درآورند.

نخبگان صنعتی درست همانگونه که در کشورهای خود سرانجام در کشمکش بر سر قدرت برنده شدند، در نبرد بزرگ‌تر برای کسب قدرت جهانی نیز پیروزی یافتند.

جهانی دوبخشی

باز همین برخورد اصلی میان قدرت‌های صنعتی موج دوم و قدرتهای کشاورزی موج اول بود که اساساً شکل جهان را تا سالهای اخیر رقم زد، منتها این بار بیشتر در سطح

به سوی شهرها را آغاز کردند. گسترش افکار متهورانه و تازه شروع شد - اندیشه پیشرفت؛ نظریه بدیع حقوق فردی؛ مفهوم روسوئی قرارداد اجتماعی؛ سکولاریزم؛ جدائی کلیسا و دولت، و این اندیشه نو که رهبران باید با اراده مردم انتخاب شوند، نه بر پایه حق الهی.

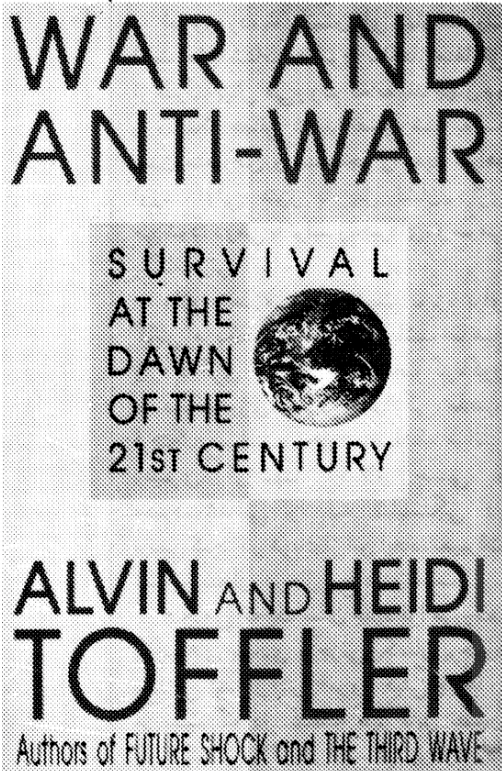
یک راه تازه ایجاد ثروت، یعنی تولید کارخانه‌ای، نیروی پیش برنده بسیاری از این دگرگونی‌ها بود و طولی نکشید که بسیاری عناصر گرد آمدن سیستمی را شکل دهد: تولید انبوه، مصرف انبوه، آموزش همگانی، رسانه‌های گروهی که همه با هم پیوند داشت و بوسیله نهادهای تخصصی - آموزشگاهها، بنگاهها، و احزاب سیاسی - تدارک می‌شد. حتی ساختار خانواده، از خانوار بزرگ روستائی گونه که در آن چند نسل با هم زندگی می‌کردند، به خانواده «هسته‌ای» عاری از پیوستگی که شاخص جوامع صنعتی است، تغییر یافت.

در نظر مردمی که عملاً این همه دگرگونی را تجربه می‌کردند، زندگی می‌بایست بی‌حساب و کتاب و گیج‌کننده باشد. اما در حقیقت، تمامی این تغییرات وابستگی نزدیکی به یکدیگر داشت. اینها صرفاً گام‌هایی بود به سوی گسترش چیزی که آنرا مدرنیته می‌خوانیم: جامعه توده - صنعتی، تمدن موج دوم.

این تمدن جدید با همه‌های در اروپا به تاریخ پا نهاد و در هر گام با مقاومت سخت روبرو شد.

برخورد اصلی

در هر کشور درحال صنعتی شدن، نبردهای سخت و غالباً خونینی میان گروههای صنعتی و بازرگانی موج دوم و زمین‌داران موج اول که در بسیاری موارد با کلیسا (خود یک زمین‌دار بزرگ) هم پیمان بودند، رخ می‌داد. توده‌های دهقانان ناگزیر از ترک زمین می‌شدند تا برای «آسیاب‌های شیطان» و کارخانه‌هایی که بیشتر و بیشتر بر سطح زمین می‌روئید کارگر فراهم کنند. هنگامی که جنگ میان گروههای صاحب نفوذ موج اول و دوم به صورت برخورد اصلی یا تنش مرکزی که دیگر برخوردها از آن مایه می‌گرفت درآمد، اعتصاب‌ها و سرکشی‌ها، شورش‌های داخلی، اختلاف‌های مرزی، و قیام‌های ملت‌گرایانه



سرزمین‌های پهناوری را از دست گروههای قبیله‌ای و کشاورزی که با جنگ‌افزارهای ابتدائی سرگرم ستیز با یکدیگر بودند گرفتند.

در جاهای دیگر، همچنین، بسیاری از جنگهای ظاهراً نامرتبط با هم در گوشه و کنار جهان، در حقیقت نمودهائی از برخورد عمده جهانی بود که نه میان کشورهای رقیب بلکه بین تمدن‌های رقیب روی می‌داد.

ولی بزرگ‌ترین و کشنده‌ترین جنگ‌ها در طول عصر صنعتی، جنگهای «درون - صنعتی» بود، جنگهایی که ملت‌های موج دوم مانند آلمان و انگلستان را رودررو قرار داد، به این ترتیب که هر یک از آنها برای کسب سلطه جهانی، و در عین حال،

